نگاهی به واپسین روزهای عمر امام حسن مجتبی علیه السلام

احمد زمانی



بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به واپسین روزهای عمر امام حسن مجتبی (علیه السلام)

نویسنده:

احمد زمانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به واپسین روزهای عمر امام حسن مجتبی (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : احمد زمانی

ناشر : احمد زمانی

مقدمه

امام حسن مجتبی (ع) بعد از امضای قرارداد صلح از کوفه به مدینه جدش پیامبر خدا (ص) بازگشت و حدود ده سال در جوار ملکوتی پیامبر (ص) و مسجد النبی (ص) گام های بسیار اساسی برداشت.

تا سیره و سنت پیامبر و اهل بیتش را به مردم جهان بشناساند و مسلمانان را از سلطه ستم شاهی بنی امیه به ویژه معاویه نجات بخشد.

از سوی دیگر معاویه راه های مختلفی را جهت مبارزه با شخصیت اجتماعی و سیاسی امام مجتبی (ع) برگزید تا موقعیت والا و پر نفوذ آن حضرت را از قلب دوستدارانش بزداید لکن به هر جنایتی که دست می زد نتیجه عکس می گرفت و هر روز تعداد علاقه مندان به حضرت و شیفتگان دین و حقیقت بیشتر می شد از این جهت تصمیم گرفت شخص آن بزرگوار را از بین ببرد تا شاید دیگر افراد خاندان اهل بیت (ع) و ساداتی که در صدد مبارزه با رژیم وی بودند نا امید گردند و خود آن بزرگوار را که بعنوان بزرگترین سد و مانع سر راهش بود از میان بردارد.

جنون آمیزترین جنایت معاویه

معاویه بارها تصمیم بر مسموم کردن امام مجتبی (ع) گرفت و به واسطه های پنهان زیادی متوسل گردید حاکم نیشابوری با سند معتبر از ام بکر بنت مسور نقل می کند که گفت:

«کان الحسن بن علی (ع) سم مرارا کل ذلک یغلت حتی کانت مره الاخیره التی مات فیها فانه کان یختلف کبده، فلم لبث بعد ذلک الا ـ ثلاثا حتی توفی; حسن بن علی (ع) را بارها مسموم کردند، لیکن اثر چندانی نگذاشت ولی در آخرین مرتبه زهر کبدش را پاره پاره کرد، که بعد از آن سه روز بیش تر زنده نماند.»

ابن ابی الحدید می نویسد: «چون معاویه خواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد، اقدام به مسموم نمودن امام مجتبی (ع) کرد، زیرا معاویه برای گرفتن بیعت به نفع پسرش و موروثی کردن حکومتش مانعی بزرگ تر و قوی تر از حسن بن علی (ع) نمی دید، پس معاویه توطئه کرد، آن حضرت را مسموم نمود و سبب مرگش شد.»

در این توطئه، بیش ترین نقش را مروان بن حکم که فرماندار مدینه بود ایفا کرد. وقتی معاویه تصمیم بر این جنایت هولناك گرفت، آخرین مرتبه، طی نامه ای سری از مروان فرماندار خویش خواست تا در مسمومیت حسن بن علی(ع) سرعت گیرد و آن را در اولویت قرار دهد.

مروان جهت اجرای این توطئه مامور شد با جعده دختر اشعث همسر امام مجتبی (ع) تماس برقرار کند. معاویه در نامه اش نوشته بود که جعده یک عنصر ناراضی و ناراحت است و از جهت روحی می تواند با ما همکاری داشته باشد و سفارش کرده بود که به جعده وعده دهد بعد از انجام ماموریتش او را به همسری پسرش یزید درخواهد آورد و نیز توصیه کرده بود صد هزار درهم به او بدهد.

بنا به گفته شعبی: چون جعده امام مجتبی (ع) را مسموم کرد، معاویه صدهزار درهم را به او داد، لیکن از ازدواج با پسرش یزید سرباز زد و در پیامی برایش نوشت: «چون علاقه به حیات و زندگی فرزندم یزید دارم، نمی گذارم با تو ازدواج کند.».

امام صادق (ع) فرمود: جعده زهر را گرفت و به منزل آورد. آن روزها امام مجتبی (ع) روزه داشت و روزهای بسیار گرمی بود، به هنگام افطار خواست مقداری شیر بنوشد، آن ملعون زهر را در میان

آن شیر ریخته بود، به مجرد این که شیر را آشامید، پس از چند دقیقه امام (ع) فریاد برآورد:

«عدوه الله! قتلتنی قتلک الله و الله لا تصیبن منی خلفا و لقد غرک و سخر منک و الله یخزیک و یخزیه ; دشمن خدا! تو مرا کشتی، خداوند تو را نابود کند. سوگند به خدا! بعد از من بهره و سودی (خوشحالی) برای تو نخواهد بود. تو را گول زدند و مفت و رایگان در راستای اهدافشان به کار گرفتند. سوگند به خدا (معاویه) بیچاره و بدبخت نمود تو را و خود را خوار و ذلیل کرد.».

امام صادق(ع) در ادامه سخنان خود فرمودند: «امام مجتبی (ع) بعد از این که جعده او را مسموم کرد، دو روز بیش تر باقی نماند و از دنیا رفت و معاویه هم بدانچه وعده کرده بود وفا ننمود.».

تطهیر جنایتکار

بعضی از مورخان همانند ابن خلدون و لامنس خواسته اند دامن معاویه را از این جنایت هولناک تطهیر کنند و بگویند، این هم از اخبار ساختگی است. ابن خلدون می نویسد:

«و ما ینقل من ان معاویه دس الیه السم من زوجه جعده بنت الاشعث فهو من احادیث الشیعه و حاشا لمعاویه من ذلک...; نسبت مسمومیت حسن بن علی (ع) به معاویه ابی سفیان که به دست همسرش جعده دختر اشعث انجام شد، ساخته و پرداخته شیعه است و دامن معاویه از چنین نسبت هایی به دور است.»

ولامنس نیز می نویسد: «و کان الغرض من هذا الاتهام و صم الامویین... و لم یجرا علی هذا القول بهذا الاتهام الشنیع جمهره سوی المؤلفین من الشیعه.»

هدف از نسبت مسمومیت حسن بن علی [علیه السلام] به معاویه بد نام

کردن رژیم بنی امیه بوده و این اتهام را غیر از مؤلفان شیعه کسی مطرح نکرده است!!

اعتراف مورخان

توطئه معاویه جهت مسموم نمودن امام مجتبی (ع) به قدری روشن و آشکار است که فرصت هر گونه انکار را از مورخان و دانشمندان گرفته است و از این روست که آنان بدون اختلاف - جز در موارد اندک - آن را نگاشته اند، از جمله آنهاست: ابن حجر عسقلانی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی، ابوالفرج اصفهانی،شیخ مفید، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، ابن عبدالبر، محمد بن علی ابن شهر آشوب، ابن صباغ مالکی، سبط ابن جوزی، سیوطی، حاکم نیشابوری،احمد بن اعثم کوفی، و جمال الدین ابی الحجاج یوسف المزی.

به جهت اختصار به مطالب محمد بن جریر طبری بسنده می کنیم او می نویسد:

علت وفات و رحلت امام مجتبی (ع) این بود که معاویه هفتاد مرتبه آن حضرت را مسموم کرد ولیکن اثر فوری و اساسی نگذاشت تا این که زهری را جهت مسموم نمودن آن حضرت برای جعده دختر محمد بن اشعث بن قیس کندی فرستاد و به همراه آن زهر، بیست هزار دینار فرستاد و ده قطعه باغ از باغهای کوفه را به نام او کرد و همچنین وعده داد بعد از انجام ماموریت، او را به ازدواج پسرش یزید بن معاویه در آورد. پس او در فرصتی خاص آن زهر را به خورد حسن بن علی داد و مسمومش کرد».

مورخ توانا، علامه بزرگوار باقر شریف قرشی می نویسد:

جعده دختر اشعث بن قیس از خانواده های فرومایه، بسیار پست و فرصت طلب بود. او نسبت به امام مجتبی (ع) عقده است، شاید بدان جهت که نتوانسته بود از آن حضرت فرزندی داشته باشد;

از این رو وقتی زهر از سوی مروان رسید و وعده ها را شنید و پولها را مشاهده کرد، ارتکاب آن جرم بزرگ را پذیرفت و در روزی گرم و سوزان که امام مجتبی (ع) روزه دار بود، به هنگام افطار زهر را در کاسه شیر ریخت و به آن حضرت خورانید. زهر بلافاصله روده هایش را پاره کرد و امام از شدت درد به خود می پیچید و می فرمود: اناالله و انا الیه راجعون. آخرین روزهای حیات آن حضرت، جناده بن امیه برای عیادت خدمتش آمد. او می گوید: حال امام منقلب بود و از شدت درد می نالید،تشتی را در برابر حضرت قرار داده بودند. هر چند گاه، لخته های خون از راه دهان خارج می شد، این جا بود که به وحشت افتادم و سخت ناراحتم شدم.

وصایای امام حسن مجتبی (ع)

شیخ طوسی (ره) از ابن عباس نقل می کند: در واپسین ساعتهای عمر امام مجتبی (ع) برادرش امام حسین (ع) وارد خانه آن حضرت شد، در حالی که افراد دیگری از یاران امام مجتبی (ع) در کنار بسترش بودند. امام حسین پرسید: برادر! حالت چگونه است؟ حضرت جواب داد:

در آخرین روز از عمر دنیایی ام و اولین روز از جهان آخرت به سر می برم و از جهت این که بین من و شما و دیگر برادرانم جدایی می افتد، ناراحتم. سپس فرمود: از خدا طلب مغفرت و رحمت می کنم، چون امری دوست داشتنی، همچون ملاقات رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان و فاطمه و جعفر و حمزه (علیهم السلام) را در پیش دارم. آن گاه اسم اعظم و آنچه را از انبیای گذشته از پدرش امیرالمؤمنین (ع) به ارث داشت تسلیم امام حسین (ع) نمود. در آن لحظه فرمود

بنویس:

«هذا ما اوصـی به الحسن بن علی الی اخیه الحسـین اوصی انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و انه یعبده حق عبادته لا شریـک له فی الملـک و لاـ ولی له من الـذل و انه خلق کل شـئ فقـدره تقـدیرا و انه اولی من عبـد و احق من حمـد، من اطاعه رشدو من عصاه غوی و من تاب الیه اهتدی، فانی اوصـیک یا حسـین بمن خلفت من اهلی و ولدی و اهل بیتک ان تصـفح عن مسـیئهم و تقبـل من محسـنهم و تکون لهم خلفـا و والـدا، و ان تـدفننی مع رسول الله (ص) فـانی احق به و بـبیته فـان ابو اعلیک فانشـدک الله بـالقرابه التی قرب الله – عزوجـل – منک و الرحم الماسه من رسول الله (ص) ان لا تهریق فی امری محجمه من دم حتی نلقی رسول الله (ص) فنختصم الیه و نخبره بما کان من الناس الینا؛

این وصیتی است که حسن بن علی به برادرش حسین نموده است. وصیت او این است: به یگانگی خدای یکتا شهادت می دهد و همان طوری که او سزاوار بنـدگی است عبادتش می کند، در فرمانروایی اش شـریک و همتایی وجود ندارد و هرگز ولایتی که نشانگر ذلت او باشـد بر او نیست. او آفریـدگار همه موجودات است و هر چیزی را به اندازه و حساب شده آفریده. او برای بنـدگی و سـتایش سـزاوارترین معبود است. هر کس فرمانبرداری او کنـد راه رشد و ترقی را پیش گرفته و هر کس معصـیت و نافرمانی او کند گمراه شده است و هر کس به سوی او بازگردد – توبه کند – از گمراهی

رسته است.

ای حسین، تو را سفارش می کنم که در میان بازماندگان و فرزندان و اهل بیتم که خطاکاران آنان را با بزرگواری خود ببخشی و نیکوکاران آن ها را بپذیری و بعد از من جانشین و پدر مهربانی برای آنان باشی.

مرا در کنار قبر جدم رسول خدا (ص) دفن نما، زیرا من سزاوارترین فرد برای دفن در کنار پیامبر خدا (ص) و خانه او هستم، چنانچه از این کار تو را مانع شدند سوگند می دهم تو را به خدا و مقامی که در نزد او داری و به پیوند و خویشاوندی نزدیکت با رسول خدا (ص) که مبادا به خاطر من حتی به اندازه خون حجامتی، خون ریخته شود تا آن که پیغمبر خدا (ص) را ملاقات کنم و در نزد او نسبت به رفتاری که با ما کردند شکایت نمایم.»

و در روایتی دیگر وصیت آن حضرت چنین نقل شده:

برادرم، آن گاه که از دنیا رفتم، بدنم را غسل بده و حنوط کن و کفن نما و جنازه ام را به سوی حرم جدم ببر و در آن جا دفن کن، چنانچه از دفن جنازه من در کنار قبر جدم مانع شدند، تو را به حق جدم رسول خدا (ص) و پدرت امیرمؤمنان و مادرت فاطمه زهرا (س) با هیچ کس در گیر مشو و به سرعت جنازه مرا به بقیع برگردان و در کنار آرامگاه مادرم دفن نما.»

شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (ع)

مشهور میان مورخان و علمای مسلمان این است که امام مجتبی (ع) بر اثر زهری که از سوی معاویه بن ابی سفیان توسط جعده به آن حضرت خورانیده شد، در روز پنج شنبه ۲۸ صفر سال پنجاهم

هجرت در سن ۴۸ سالگی به شهادت رسید. همان طوری که شیخ مفید (ره) متوفای قرن پنجم، سال ۴۱۳ هجری، و مفسر ادیب و توانمند شیخ طبرسی (ره) در قرن ششم سال ۵۴۸ هجری در دو کتاب خود و علامه بزرگوار حلی در قرن هشتم سال ۷۲۶ هجری بر آن تصریح کرده اند.

مرحوم شیخ طبرسی - روایتی را از طبرانی نقل می کند و می گوید: «ایشان در کتاب «معجمه نوشته است: امام مجتبی (ع) در ماه ربیع الاول سال ۴۹ هجری به وسیله زهر به شهادت رسیده است.»

و در این جا قول سومی وجود دارد و آن این که: «امام حسن (ع) در روز پنجشنبه، هفتم ماه صفر سال پنجاه هجری رحلت نموده است.»

مرحوم علامه مجلسی این قول را به شیخ ابراهیم کفعمی صاحب مصباح و بلد الامین نسبت داده است.

ابن قتیبه دینوری می گوید: چیزی از رحلت امام مجتبی (ع) نگذشت که معاویه اقدام به گرفتن بیعت از مردم شام برای پسرش یزید کرد و این را طی بخشنامه ای به همه جهان اسلام اعلام نمود.

مراسم کفن و دفن

آن گاه که امام حسن (ع) دار فانی را وداع گفت، عباس بن علی (ع)، عبدالرحمن بن جعفر و محمد بن عبدالله بن عباس به کمک امام حسین (ع) شتافتند و آن حضرت با کمک آنان جنازه برادر را غسل داد، حنوط کرد و کفن نمود، آن گاه به مصلا (جایگاه خاص، جهت نماز گزاردن بر مردگان) که در نزدیکی مسجد النبی بود منتقل نمودند، که آن مصلا را «بلاطه می نامیدند. در آن جا بر جنازه آن حضرت نماز گزاردند، سپس جنازه را جهت تجدید عهد و دفن، نزدیک مزار رسول

خدا (ص) بردند.

ممانعت از دفن در حرم پیامبر (ص)

فرماندار مدینه، مروان بن حکم به همراه آشوبگران جلو آمدند و فریاد برآوردند: شما می خواهید حسن بن علی را در کنار پیامبر دفن کنید؟ از طرف دیگر عایشه سوار بر استر به جمعشان پیوست و فریاد زد: چگونه می شود کسی را که من هرگز او را دوست ندارم، به میان خانه من داخل کنید.

مروان گفت: آیا سزاوار است عثمان در دورترین نقطه مدینه در قبرستان دفن شود و حسن بن علی در جوار پیامبر خدا (ص) هرگز نمی شود، من شمشیر به دست می گیرم و حمله می کنم و ممانعت خواهم نمود.

عده ای از امویان و آشوبگران به دنبال بهانه بودند و می خواستند فتنه ای به پا کنند که امام حسین (ع) با بردباری جنازه برادرش را به سوی بقیع برگرداند و بنی هاشم را آرام نمود و در جوار جده اش فاطمه بنت اسد در بقیع دفن نمود و از خون ریزی و فتنه به همان وضعی که امام مجتبی (ع) وصیت نموده بود جلوگیری کرد.

امام حسین (ع) رو به مروان کرد و فرمود: اگر برادرم وصیت کرده بود که در کنار جدش پیامبر (ص) دفن شود، می فهمیدی که تو کوچک تر از آنی که بتوانی ما را برگردانی و جلو دفن جنازه او را در میان حرم پیامبر (ص) بگیری.

ابن شهر آشوب می افزاید: به هنگام بردن جنازه امام مجتبی (ع) به سوی بقیع غرقد، افراد شرور و پست به پشتیبانی امویان به جنازه آن بزرگوار تیراندازی کردند، به طوری که هنگام دفن هفتاد تیر از بدن آن حضرت جدا نمودند.

عایشه به هنگام دفن امام مجتبی (ع) ابن عباس (ره) خطاب به عایشه (در حالی که چهل

سوار در اطرافش بودنـد) گفت: «واسو اتاه فیوما علی بغل و یوما علی جمل، تریـدین ان تطفئی نورالله و تقاتلی اولیاءالله ارجعی فقـد کفیت الذی تخافین و بلغت ما تحبین و الله منتصـر لاهل البیت و لو بعد حین ; چه بیچارگی و بدبختی! امروز سوار بر استر شـدی و یک روز سوار بر شتر گشتی (اشاره به جنگ جمل). تو می خواهی نور خـدا را خاموش کنی و با اولیای خدا بجنگی. برگرد، آنچه دیگران می خواستند انجـام دادی و مـاموریت خویش را به پایان رسانـدی، خداونـد اهل بیت (علیهم السـلام) را یاری خواهد کرد، گرچه زمانی بگذرد...».

و بعضـی سـخن ابن عبـاس را چنین نقـل کرده انـد: «جملت و بغلت و لو عشت لفیلت!» آن روز سوار بر شـتر گشتی و امروز بر استر سواری، و اگر زنده بمانی [برای مبارزه با نور خدا و اهل بیت] بر فیل نیز سوار خواهی گشت.

و در قسـمت هـایی از زیـارات جـامعه، خطـاب به امامـان معصوم (علیهم السـلام) ماجرای شـهادت آن بزرگوار را از زبان امام صادق (ع) چنین نقل می کند:

«یا موالی... انتم بین صـریع فی المحراب قد فلق السیف هامته و شهید فوق الجنازه قد شکت بالسهام اکفانه [اکفانه بالسهام] ...; ای سـروران من...! شـما کسانی هستید که بعضـی جسدتان در میان محراب عبادت در حالی که فرقتان شکافته بود، به شهادت رسـیدید و بعضـی از شما شهیدی هستید که دشمنان اسلام بر جنازه شما تیراندازی کردند، به طوری که کفنتان سوراخ سوراخ گردید...»

در روایت فوق، ابتدا اشاره به نحوه شـهادت علی بن ابی طالب (ع) شده است و سپس ماجرای تیرباران شدن جنازه امام مجتبی (ع) را بیان می کند

و در ادامه آن، ماجرای شهادت امام حسین (ع) و دیگر ائمه را بیان می دارد.

انعکاس شهادت امام حسن مجتبی (ع)

اشاره

شهادت مظلومانه سبط اکبر رسول خدا (ص) پرده نفاق را از چهره کریه معاویه کنار زد; پرده نفاقی که ذوالفقار امیرمؤمنان (ع) در صحرای صفین قادر بر دریدن آن نگردید. شهادت امام مجتبی (ع) کاری کرد که عمرو بن نعجه گفت: «رحلت حسن بن علی (ع) اولین خاک ذلت و خواری بود که بر سر عرب پاشید و سیاه بختش گردانید.»

واکنش مردم

امام باقر (ع) نسبت به انعکاس شهادت آن بزرگوار فرمود: «مکث الناس یبکون علی الحسن بن علی و عطلت الاسواق; به هنگام شهادت امام مجتبی (ع) مردم گریه و زاری داشتند، حزن آنان را فرا گرفت و عزاداری نمودند و بازارها را تعطیل کردند.»

حضور همگانی

جهم بن ابی جهم می گوید: چون امام حسن مجتبی (ع) رحلت نمود، بنی هاشم همگی بسیج گردیدند و به تمام شهرها و روستاهای اطراف مدینه که در آن ها، انصار زندگی می کردند رفتند و خبر شهادت آن حضرت را با حزن و اندوه اعلان داشتند، به مجرد شنیدن خبر رحلت آن بزرگوار، زن و مرد، کوچک و بزرگ همگی در تشییع جنازه شرکت نمودند، به طوری که بر اثر کثرت جمعیت در میان بقیع اگر سوزن به روی زمین می افتاد به زمین نمی رسید.

مردم مکه و مدینه

ابن ابی نجیح می گوید: «در مکه معظمه و مدینه منوره یک هفته عزای عمومی بود و همه مردم اعم از زنان، مردان و فرزندان خردسال، در فقدان آن حضرت اشک می ریختند.».

مردم بصره

ابوالحسن مدائنی می نویسد: عبدالله بن سلمه جهت رساندن خبر رحلت جانگداز امام مجتبی (ع) برای زیاد بن ابیه وارد بصره شد، که به محض پخش خبر شهادت آن حضرت، آه و ناله مردم بلند شد. ابوبکره برادر زیاد مریض بود، چون صدای گریه مردم را شنید از همسرش میسه بنت شحام پرسید: چه خبر شده؟ با بی پروایی گفت: «حسن بن علی درگذشت و مردم از دست او آسوده شدند!»ابوبکره با خشم و ناراحتی گفت: «ساکت باش! وای بر تو! خدای سبحان او را از شر بسیاری آسوده کرد، و لیکن مردم با فقدان او خیر بسیاری را از دست دادند، خداوند حسن بن علی را رحمت کند.»

همسر معاویه

ابن قتیبه نیز می نویسد: «خبر رحلت امام مجتبی (ع) چون به معاویه رسید، او و بعضی از همراهانش سجده شکر به جا آوردند و تکبیر گفتند، و لیکن فاخته همسر معاویه سخت ناراحت گردید و معاویه را بر شادمانی اش نکوهش نمود و فریادش به «انا لله و انا الیه راجعون بلند شد».

معاویه و یارانش

در آن زمان عبدالله بن عباس در شام به سر می برد، چون خبر خوشحالی معاویه را در رحلت امام مجتبی (ع) شنید بر او داخل شد و چون بر زمین نشست، معاویه گفت:

حسن بن علی مرد و هلاک گردید! عبدالله گفت: بلی، آن گاه چند مرتبه تکرار کرد: «انا لله و انا الیه راجعون سپس گفت: معاویه! شنیدم اظهار خوشحالی و شادمانی کرده ای! آگاه باش! قسم به خدا با مرگ حسن بن علی هرگز قبر تو پر نمی گردد و کوتاهی عمر با برکت او بر عمر تو نمی افزاید. او رحلت نمود و حال آنکه وجودش بهتر از تو بود. اگر امروز ما گرفتار فقدان آن وجود مبارک شده ایم، قبلا به چنین مصیبتی در رحلت رسول خدا (ص) مبتلا گشته بودیم، و لیکن خداوند سبحان با تعیین جانشین نیکو، آن را جبران نمود. در این هنگام عبدالله فریادی برآورد و گریه زیادی کرد به طوری که هر کس در آن جا بود تحت تاثیر قرار گرفت و اشکش جاری گشت، حتی معاویه خبیث هم گریان شد.

راوی گفت: «هرگز مانند آن روز، مجلسی را چنان متاثر و گریان ندیدم.».

بنی هاشم در مدینه منوره

حاکم در مستدرک می نویسد:

«چون امام حسن مجتبی (ع) در گذشت، زنان بنی هاشم یک ماه در سوگ آن حضرت عزاداری و نوحه سرایی نمودند.»

عبیده بنت نائل از عایشه بنت سعد نقل می کند: «زنان بنی هاشم به مدت یک سال برای حسن بن علی عزاداری کردند.».

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹